





## وضعیت اقتصادی ایران قبل از جنگ

پیش از پرداختن به اوضاع اقتصادی ایران در دوران جنگ تحمیلی، شناخت نقاط ضعف و قوت اقتصاد کشور ضروری است، از این رو در ابتدا به طور خلاصه به بیان وضعیت اقتصادی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ می‌پردازیم.

## الف) وضعیت اقتصادی ایران از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا شروع جنگ (۱۳۵۷-۱۳۵۹)

رکود حاکم بر اقتصاد کشور، که از نیمه دوم سال ۱۳۵۶ شروع شده بود پس از سرنگونی نظام شاهنشاهی با مشکلات دیگری مانند مسدود شدن ذخایر ارزی کشور و تحریم اقتصادی همراه شد و اقتصاد کشور را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرد.

وجه مشخص سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی پس از انقلاب، دولت‌گرایی بود که نه تنها بانک‌ها، بیمه‌ها و تعداد زیادی از صنایع بزرگ و متوسط به مالکیت دولت در آمد بلکه بازرگانی خارجی نیز دولتی شد و حتی سخن از دولتی کردن بازرگانی داخلی نیز به میان آمد. جنگ نیز آثار مهمی بر سیاست اقتصادی داشت و باعث اولویت‌بندی واردات، جیره‌بندی کالاها و اتخاذ سیاست‌های پولی و تورمی و پایین نگه داشتن بهای تعداد نسبتاً زیادی از کالاها و خدمات گردید.<sup>(۱)</sup>

### ۱. درآمد و هزینه دولت

با تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۵۸، سهم و نقش دولت در اقتصاد ایران بسیار بزرگ‌تر شد. پیش از تصویب قانون اساسی، گسترش دولت در زمینه ملی شدن بانک‌ها، بیمه‌ها و نیز دولتی شدن مالکیت برخی از واحدهای اقتصادی تحقق یافت و مشخص شد نقش

دولت نسبت به گذشته متفاوت خواهد بود، اما با تصویب قانون اساسی، آن هم با اصول سوم، بیست و نهم، سی‌ام، چهل و چهارم و... گستره دولت بسیار بزرگ‌تر از آنچه که پیش‌بینی می‌شد ترسیم گردید. این امر باعث افزایش هزینه‌های دولت شد. با کاهش چشمگیر درآمد ناشی از کاهش صدور نفت خام از ۴/۸ میلیون بشکه در روز، در سال ۱۳۵۶ به ۷۹۶ هزار بشکه در روز، در سال ۱۳۵۹، انتظار می‌رفت نسبت بودجه عمومی به تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۵۹ به طور عمده‌ای کاهش یابد، اما سهم آن به ۳۶/۵ درصد رسید. این نسبت در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ به ترتیب ۴۴/۲ و ۳۶/۷ درصد بود. همراه با افزایش وظایف و حجم دولت، متناسب با اهداف انقلاب، طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ تصمیماتی نیز در حوزه درآمدهای مالیاتی اتخاذ شد که همگی آنها موجب کاهش درآمدهای دولت شد. این تصمیمات به شرح زیر بود:

الف) تصویب لایحه قانونی تأدیه و تسویه بدهی مالیاتی در شورای انقلاب به تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۲۹.

ب) افزایش معافیت مالیاتی حقوق بگیران در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۲۹.

ج) یکسان‌سازی نرخ مالیات برای کارکنان بخش‌های دولتی و خصوصی در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱.

اختصاص یافت و بقیه در سایر امور از جمله امور دفاعی به مصرف رسید. این نحوه تخصیص افزایش های بودجه ای به تورم حجم بخش خدمات کمک کرد و تورم را در جامعه تثبیت نمود.

لذا پس از پیروزی انقلاب، دولت بودجه ای را با خصایص فوق به ارث برد. لازم به ذکر است که فعالیت های غیر دولتی جامعه نیز دارای همین ویژگی ها بودند. به عبارت دیگر، نقدینگی تزریق شده به جامعه در حد بسیار بالاتری از توان جذب سالم این نقدینگی در فعالیت های تولیدی بود.

دوره جدید بودجه بندی کشور در سال های بعد از انقلاب در بطن شرایط

فوق شروع گردید. هر چند بودجه کشور در سال ۱۳۵۸ در حدود ۶۷ درصد کاهش یافت اما از سال ۱۳۵۹ رشد نسبتاً چشمگیری در بودجه عمومی تحقق یافت به طوری که طی سال های ۱۳۶۲-۱۳۵۸، بودجه دولت رشد متوسطه سالانه ۱۷۵ درصد را نشان می دهد.<sup>(۳)</sup>

به طور کلی در این دوره، مدیریت کشور درگیر تثبیت وضعیت سیاسی و ایدئولوژیک دوره پس از انقلاب و تجدید سازماندهی فعالیت ها بود؛ از این رو فرصت چندانی برای ظرفیت سازی تولیدی باقی نمی ماند. بعلاوه سرنوشتی نظام پیشین، ضرورتاً در هم ریختگی هایی در امور اقتصادی ایجاد کرده بود که در کوتاه مدت، کاهش ظرفیت های تولیدی جامعه را به دنبال داشت.

### ۳. بازرگانی خارجی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در راستای تغییر روند بازرگانی خارجی با توجه به نیازهای واقعی کشور و

تصویب مصوبه های مذکور در کنار کاهش عمده درآمدهای نفتی و نیز افزایش هزینه های دولت، از سویی باعث وابسته تر شدن بودجه دولت به نفت شد و از سوی دیگر زمینه کسری بودجه دولت را فراهم کرد، به طوری که کسری بودجه دولت از ۶۰/۸۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۹۷۲/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۹ افزایش یافت. لازم به ذکر است که قریب ۷۰ درصد کسری بودجه دولت از محل وام ها و اعتبارات داخلی تأمین می شد که این امر دارای آثار منفی بی شماری بود.<sup>(۴)</sup>

### ۲. تولید و سرمایه گذاری

طی سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ به دلیل کاهش تولید و رکود صنایع، تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶، از ۱۹۱ به ۲۱۹ میلیارد ریال رسید. در این دوره زمانی، تشکیل سرمایه وضعیت مناسبی نداشت و با کاهش ۲۰ درصدی همراه بود.<sup>(۵)</sup>

طی سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲، دولت وارث نظام اقتصادی و بودجه ای ناسالم باقیمانده از سال های ۱۳۵۴-۱۳۵۱ و ۱۳۵۷-۱۳۵۵ شده بود. از نظر بودجه ای مهم ترین خصایص آن به شرح زیر بود:

الف) حجم کمی بودجه که در اثر افزایش های درآمدهای نفتی سال های ۵۴-۱۳۵۱ حاصل شده بود تا سال ۱۳۵۷ در حدی بسیار بالاتر از توان واقعی جذب جامعه باقی ماند. بودجه دولت طی سه سال ۱۳۵۲-۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ به بیش از چهار برابر افزایش یافت. در این شرایط، دولت از طرفی، حجم عظیمی از نیروی انسانی متخصص و غیرمتخصص را از کشورهای اروپا و آمریکا و کشورهای همسایه وارد کرد و از طرف دیگر، زمینه واردات حجم انبوهی از ارز در دسترس را توسط مسافران ایرانی فراهم نمود.

ب) افزایش های چشم گیر بودجه در سال های ۱۳۵۴-۱۳۵۱ بیشتر در بخش خدماتی بودجه اتفاق افتاد. در طی این چهار سال، کل بودجه کشور از حدود ۴۱۵ میلیارد ریال در ۱۳۵۱ به حدود ۱۷۷۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۴ افزایش پیدا کرد و از این مقدار صرفاً ۲۵۷ میلیارد ریال به بخش های کشاورزی، منابع آب و صنایع و معادن

**جنگ تحمیلی**  
**در شرایطی اتفاق افتاد که**  
**اقتصاد ایران در جهت**  
**خودکفایی و نیز کاهش**  
**وابستگی به نفت برای**  
**تحول در اقتصاد کشور**  
**قرار داشت**

رکود بخش‌های مختلف اقتصادی، بلااستفاده شدن برخی از بنادر کشور، کمبود امکانات حمل و نقل و کمبود در زمینه کالاهای اساسی، دولت را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخت. از این رو برای مقابله با مشکلات فوق، محدودیت‌های شدیدی برای جلوگیری از واردات کالاهای غیر ضروری اعمال گردید.<sup>(۶)</sup>

با توجه به مشکلات فوق نه تنها اهداف اصل ۴۴ قانون اساسی محقق نشد، حتی سهم واردات کالاهای مصرفی نیز افزایش یافت، چنانکه کالاهای مصرفی از ۲۱۱۴ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ترتیب به ۲۵۵۹ و ۲۸۹۹ میلیون دلار در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ افزایش پیدا کرد و این امر موجب شد سهم واردات کالاهای مصرفی از ۲۰/۳۸ درصد در سال ۱۳۵۷ به ترتیب به ۲۶/۳۹ و ۲۶/۷۳ درصد در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ افزایش یابد. در مقابل، برای افزایش صادرات غیرنفتی تلاش‌های بسیاری صورت گرفت، به گونه‌ای که با پذیرش سیاست نرخ ترجیحی ارز از تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۵ و خرید هر دلار به نرخ ۷۸ ریال، یعنی ۱۱ درصد بیشتر از نرخ رسمی، ارزش صادرات غیرنفتی در سه سال ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ به ترتیب برابر ۵۴۳، ۸۱۲ و ۶۴۵ میلیون دلار بوده است.<sup>(۷)</sup>

به طور کلی می‌توان اوضاع اقتصادی ایران را پیش از شروع جنگ به شرح زیر توصیف کرد:

- افزایش کسری بودجه،
  - گسترش حجم و اندازه دولت و دولتی شدن بسیاری از بخش‌های اقتصادی،
  - کاهش صدور نفت،
  - کاهش تولید واحدهای صنعتی به دلیل کمبود مواد اولیه و عوامل دیگر،
  - کاهش سرمایه‌گذاری،
  - بالا بودن سهم واردات کالاهای مصرفی (۲۶/۷ درصد)،
  - بالا بودن نرخ تورم (۲۳/۵ درصد)، و غیره.
- با توجه به مسائل ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت اقتصاد ایران در آستانه جنگ تحمیلی، از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده است.

همچنین با توجه به اینکه یکی از اهداف مهم انقلاب، کاهش اتکا به خارج بود، اهداف و سیاست‌های ارزی و بازرگانی خارجی مورد تجدید نظر قرار گرفت و با دولتی شدن تجارت خارجی بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، تلاش شد واردات کالاهای مصرفی، لوکس و غیر ضروری کاهش یابد. با وجود این، از هم گسیختگی اقتصاد کشور به دلیل اعتصابات گسترده مردم در سال ۱۳۵۷ و عدم وجود برنامه مشخص و نیز بروز عوامل متعدد سیاسی موجب گردید که سهم واردات مصرفی همچنان به روند صعودی خود ادامه دهد.

بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، مبنی بر دولتی شدن

تجارت خارجی، در سال

۱۳۵۸ مقدمات طرح

مربوط به تشکیل مراکز

تهیه و توزیع کالاهای

وارداتی مورد بررسی

قرار گرفت. هدف از

ایجاد مراکز فوق،

نظارت دقیق بر بهای

اعلام شده کالاهای

وارداتی و جلوگیری از

تقلبات در خروج ارز،

کاهش واردات کالاهای

مصرفی، لوکس و

غیر ضروری و نظارت بر

امور توزیع کالا بود.<sup>(۵)</sup> اما به دلیل بروز مشکلاتی از

جمله کاهش تولید کشور، تحریم اقتصادی و وقوع

جنگ، دستیابی به این هدف فراهم نشد.

مشکلات فوق‌الذکر باعث شد از یک سو، صادرات

نفت به شدت کاهش یابد (به میزان ۶۸/۲ درصد نسبت به

سال قبل) و در نتیجه منابع ارزی کشور محدود گردد و از

سوی دیگر به دلیل عدم امکان خرید مستقیم و رجوع به

بازارهای واسطه، قیمت خرید کالاهای وارداتی به

شدت افزایش یافت و مسائلی چون عدم پایبندی

فروشنده‌گان به تعهدات و پایین بودن سطح کیفیت و

مرغوبیت کالاهای خریداری شده، اشکالات عدیده‌ای

را برای واردات کشور به وجود آورد. متعاقب آن نیز

**جنگ باعث شد بخشی از  
بودجه کشور به امور دفاعی  
تخصیص یابد و بسیاری از  
اراضی حاصل خیز و نیز  
واحدهای اقتصادی کشور از  
بهره‌وری خارج شود**

## وضعیت اقتصادی ایران و سیاست های اقتصادی اجرا شده در دوره جنگ

جنگ تحمیلی در شرایطی اتفاق افتاد که اقتصاد ایران که تا پیش از انقلاب به شدت بر درآمدهای نفتی متکی بود، در آستانه اجرای برنامه ها و اقداماتی در جهت خودکفایی و نیز کاهش وابستگی به نفت برای تحول در اقتصاد کشور قرار داشت. جنگ باعث شد بخشی از بودجه کشور به امور دفاعی تخصیص یابد و بسیاری از اراضی حاصل خیز و نیز واحدهای اقتصادی کشور از بهره وری خارج شود. همه اینها موجب شد اصلاح ساختار اقتصادی و بهبود مدیریت اقتصاد کشور با مشکلات بسیاری روبرو شود و کماکان درآمدهای نفتی - که در آغاز انقلاب به دلیل کاهش عمده و برنامه ریزی شده، صدور آن کاهش یافته بود - مجدداً نقش مؤثر و عمده ای را در اقتصاد ایران ایفا کند.

**الف) وضعیت اقتصادی ایران در دوران جنگ**  
اقتصاد ایران در طول جنگ تحمیلی سه دوره رکود و رونق اقتصادی را تجربه کرد:

### دوره اول: رکود اقتصادی (۱۳۵۹-۱۳۶۰)

رکود اقتصادی که از نیمه سال ۱۳۵۶ شروع شده بود، با پیروزی انقلاب و مشکلات داخلی و آغاز جنگ، تا سال ۱۳۶۰ ادامه یافت. با شروع جنگ، مراکز صنعتی و تجاری در جنوب غربی کشور به شدت آسیب دید یا در معرض آسیب و تهدید قرار گرفت. در این دوره، با وجود بالا بودن قیمت نفت در بازارهای جهانی، درآمدهای نفتی ایران به دلیل کاهش صادرات نفت، تنزل یافته بود. رکود اقتصادی، وضعیت نامطلوب شاخص های کلان اقتصادی، بالا بودن قیمت نفت، تولید و صادرات پایین نفت و کمتر از ظرفیت کشور، فشارهای سیاسی و بین المللی و تشدید نبردهای زمینی از جانب هر دو طرف درگیر، از جمله خصوصیات این دوره بوده است.<sup>(۸)</sup> در این دوره، بخشی از مراکز مهم اقتصادی و صنعتی تخریب شد یا در معرض تهدید قرار گرفت.

پیامدهای سیاسی و اقتصادی پیروزی انقلاب

اسلامی که موجب دگرگونی نظام سیاسی و اقتصادی گذشته گردید، در این دوره کماکان تداوم یافت. از طرف دیگر، ادامه تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا و متحدان غربی آن که به دنبال تسخیر سفارت آمریکا در تهران ایجاد شده بود، بلوکه کردن ذخایر ارزی کشور در بانک های آمریکایی و بالاخره آغاز جنگ تحمیلی از جمله عوامل اصلی به وجود آمدن این رکود اقتصادی بود که تا سال ۱۳۶۰ نیز ادامه داشت و تأثیرات فراوانی بر فعالیت های اقتصادی و به ویژه بخش صنعت گذاشت. در سال ۱۳۶۰ مشکلات عمومی اقتصاد کشور همچنان فعالیت های بخش صنعت را تحت الشعاع

قرار داد، سطح فعالیت های صنعتی به دلیل مسائل خاص خود از قبیل کمبود مواد اولیه و مواد خام وارداتی و گران بودن آن در بازارهای جهانی، کمبود و عدم دسترسی به قطعات و لوازم یدکی مورد نیاز ماشین آلات، مشکلات مالی و کمبود نیروی انسانی متخصص موجب گردید تا این فعالیت ها کاهش یابد.<sup>(۹)</sup>

### دوره دوم: رونق اقتصادی (۱۳۶۴-۱۳۶۱)

در پی اقدامات ایران برای بازپس گیری مناطق اشغال شده و اجرای عملیات های بزرگ و موفق همچون بیت المقدس که به آزادی خرمشهر و مناطق وسیعی از کشورمان در خرداد ۱۳۶۱ منجر شد، بخش مهمی از مراکز اقتصادی کشور از تیررس دشمن و تهدیدهای آن رهایی یافتند و با افزایش صادرات نفتی، درآمدهای حاصل از آن نیز افزایش یافت، لذا برخی شاخص های اقتصادی نشان دهنده بهبود اوضاع اقتصادی در سال ۱۳۶۱، به نسبت دو سال قبل از آن می باشد. رونق

### با شروع جنگ،

### از ظرفیت پالایشگاه های

### کشور کاسته شد که این امر

### باعث کاهش صادرات

### نفت شد

درآمدهای نفتی، فشارهای شدید بین المللی، افزایش نبردهای زمینی، تشدید حملات عراق به مراکز اقتصادی و غیرنظامی، گسترش و تشدید جنگ نفتکش ها، حضور ناوگان جنگی قدرت های شرق و غرب، و درگیری مستقیم با آمریکا از خصوصیات این دوره است. فشارهای بین المللی نقش مهمی در این دوره داشت؛ به طوری که از یک سو ایران را از دسترسی به بازارهای معمول و ارزان اسلحه محروم کرد و از سوی دیگر، دخالت قدرت های خارجی و کشورهای منطقه مانع از پیروزی سریع و قاطع ایران بر عراق شد. به هر حال، بررسی شاخص های اقتصادی در این دوره حاکی از رکود شدید اقتصادی است که از سال ۱۳۶۵ شروع و در سال ۱۳۶۷ به عمق خود رسید، که مهم ترین دلیل آن کاهش بسیار شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی از آخرین ماه های سال ۱۳۶۴ بود.<sup>(۱۱)</sup>

افزون بر مشکل کاهش قیمت نفت، در طول سه سال پایانی جنگ به کرات پایانه نفتی خارک، نفتکش های حامل نفت ایران و کشتی های تجاری، مورد اصابت موشک ها و راکت های هواپیماهای ارتش عراق قرار گرفت. همچنین در این سال ها سلسله حملات متعدد و گسترده ای از سوی عراق به مراکز اقتصادی و نفتی ایران، و شهرها و مناطق مسکونی صورت گرفت. مراکز اقتصادی از جمله تأسیسات نفتی شیراز، تبریز، اصفهان، بی بی حکیمه، زرنده، مارون و... هدف حمله عراق واقع شدند. اما همانگونه که گفته شد آنچه در این دوره بر اقتصاد ایران ضربه سنگینی وارد کرد، کاهش شدید قیمت نفت و درآمدهای نفتی بود که به توقف و یا کند شدن اجرای برخی پروژه های مهم و ملی انجامید، یکی از مهم ترین آنها پروژه احداث خط نفت گناوه - عسلویه با هزینه ای بالغ بر ۲ میلیارد دلار بود.<sup>(۱۲)</sup>

محدودیت های گوناگون اقتصادی ناشی از جنگ در این دوره، تولید برخی اقلام کشاورزی را در ایران از جمله گندم، کاهش داده بود. کمبود سوخت و روغن موتور برای چاه های عمیق کشاورزی در برخی استان های کشور از دلایل اصلی کاهش سطح زیر کشت تولید غلات بود. همچنین بخش صنعت نیز به دلیل عدم

اقتصادی، وضعیت مطلوب شاخص های کلان اقتصادی، بالا بودن قیمت نفت در بازارهای جهانی، افزایش تولید و صادرات نفت ایران نسبت به سال های اولیه جنگ، فشار سیاسی نه چندان زیاد و رکود نسبی در نبردهای زمینی، حملات ایران به مراکز نظامی و اقتصادی عراق در جهت پاسخگویی متقابل به حملات این رژیم، دیپلماسی فعال ایران برای اعمال فشار بر عراق، و البته دوره جدید حملات عراق به تأسیسات نفتی و نفتکش های حامل نفت ایران با هدف قطع صادرات نفت ایران، از خصوصیات این دوره بوده است. در واقع در دوره زمانی فتح خرمشهر تا فتح فاو (۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴)، اوضاع

اقتصادی ایران به دلیل درآمدهای حاصل از فروش نفت، استفاده از ظرفیت های داخلی و همچنین ثبات سیاسی و اقتصادی همراه با استقرار مدیریت باثبات اقتصادی در کشور، و انسجام بیشتر و خودباوری نیروی مسلح، روبه بهبود گذاشت.<sup>(۱۳)</sup>

اقتصاد ایران در این سال ها، یک دوره رونق را تجربه کرد که تقریباً تا روزهای پایانی سال ۱۳۶۴ ادامه داشت. این موضوع از زبان اقتصاد دانان و صاحب نظران داخلی و خارجی نیز مطرح شده است. دکتر حسین عظیمی در این باره می گوید: «تا پایان سال ۱۳۶۴ با وجود جنگ، تصویر نسبتاً موافقی از اقتصاد ایران وجود داشت، به طوری که شاخص های اقتصادی تا سال ۱۳۶۴ در مقایسه با شاخص های بعد از جنگ بهتر است».<sup>(۱۴)</sup>

#### دوره سوم: رکود اقتصادی (۱۳۶۷-۱۳۶۵)

رکود شدید اقتصادی، وضعیت نگران کننده شاخص های اقتصادی، کاهش شدید قیمت نفت و

در دوره جنگ،  
دولت سیاست جایگزینی  
گاز طبیعی به جای نفت را  
در مصارف داخلی  
در پیش گرفت

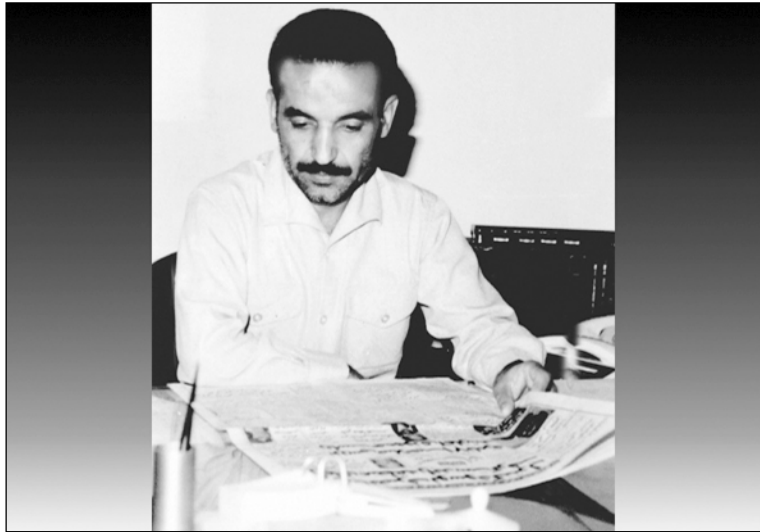
با شروع جنگ، از ظرفیت پالایشگاه‌های کشور کاسته شد که این امر باعث کاهش صادرات نفت شد، لذا در این دوران دولت سیاست جایگزینی گاز طبیعی به جای نفت را در مصارف داخلی در پیش گرفت. اگر چه گاز طبیعی جایگزین بخشی از مصارف داخلی نفت شد، اما این اقدام با قطع صادرات گاز طبیعی ایران همراه شد. در واقع از سال ۱۳۶۱ تا پایان جنگ، ایران صادرات گاز طبیعی را متوقف کرد تا تلاش

خود را برای جایگزینی حداکثر آن با نفت در تأمین انرژی مورد نیاز داخلی انجام دهد.<sup>(۱۷)</sup>

در سال ۱۳۶۱، به علت کاهش نسبی مشکلات مربوط به صدور نفت، درآمدهای ارزی تا حدودی بهبود یافت. از جمله اقدامات انجام شده در این سال، گسترش مبادلات تهاتری در مقابل فروشنفت بود که سبب افزایش صادرات نفت خام گردید.<sup>(۱۸)</sup>

به دلیل روند نزولی قیمت نفت، درآمدهای ارزی ایران در سال ۱۳۶۳ کاسته شد و در سال ۱۳۶۵ به پایین‌ترین حد خود رسید. به نحوی که دریافت‌های ارزی کشور از محل صادرات نفت از حدود ۱۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۴، تقریباً به ۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۵ تقلیل پیدا کرد. در سال ۱۳۶۶ درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت افزایش یافت و به حدود ۹/۲۰ میلیارد دلار بالغ گردید.<sup>(۱۹)</sup>

به طور کلی کاهش درآمدهای نفتی، همواره تبعات منفی در پی داشته است. تلاش‌های گسترده‌ای پس از تکانه نفتی سال ۱۳۶۵، برای افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی انجام شد که موجب رشد بسیار در صادرات غیرنفتی شد. صادرات غیرنفتی ایران را می‌توان به سه گروه صادرات کالاهای کشاورزی، صنایع دستی و کالاهای صنعتی و معدنی تقسیم کرد.<sup>(۲۰)</sup>



وجود امکان تخصیص ارز به این بخش، به شدت آسیب دیده بود.<sup>(۱۴)</sup>

## ب) سیاست‌های اقتصادی دوران جنگ

### ۱. تجارت خارجی

روابط اقتصادی کشورها و تجارت خارجی آنها، از چنان اهمیتی در اقتصاد کشورها برخوردار است که برخی نظریات اقتصادی آن را در استراتژی‌های توسعه، «موتور رشد و توسعه» تلقی می‌کنند.

#### ۱-۱ صادرات

صادرات به دلیل نقشی که در افزایش درآمد ارزی و ایجاد تقاضا برای تولید داخلی دارد، در دوره جنگ نیازمند توجه بیشتری است. تجارت خارجی ایران با صادرات تک محصولی (نفت) و وابستگی شدید به ارز حاصل از آن شناخته می‌شود. بدین معنا که در سال‌های متمادی، همواره سهم صادرات نفتی روبه افزایش بوده و در مقابل صادرات غیرنفتی سیر نزولی داشته است.<sup>(۱۵)</sup>

میزان و سهم درآمدهای نفتی از کل صادرات کشور همواره غالب بوده است که این مطلب در مورد دوران جنگ نیز صدق می‌کند.<sup>(۱۶)</sup>

از ۶۶/۴ میلیون دلار در سال ۱۳۵۸ به ۱۲۲/۶ میلیون دلار در سال ۱۳۶۸ افزایش یافت.<sup>(۳۳)</sup>

به طور کلی سال های اولیه انقلاب (۱۳۵۸-۱۳۶۱) به دلیل بروز جنگ تحمیلی و اعمال تحریم های اقتصادی، صادرات غیرنفتی سیر نزولی داشت و از ۸۱۷/۸ میلیون دلار در سال ۱۳۵۸ به ۲۸۴ میلیون دلار در سال ۱۳۶۱ رسید. از سال ۱۳۶۱ با توجه به اعمال سیاست های تشویقی مانند پرداخت جوایز ریالی، صدور مجوز واردات در قبال صادرات، معافیت در صدی یا کامل پیمان سپاری ارزی برای برخی کالاها (نظیر فرش)، صادرات غیرنفتی با افزایش مواجه شد به طوری که از ۲۸۴ میلیون ریال در سال ۱۳۶۱ به ۱۰۳۶ میلیون ریال در سال ۱۳۶۷ رسید. در دوران جنگ، صادرات کالاهای کشاورزی و صنایع دستی بیشترین سهم را در کل صادرات غیرنفتی داشته اند که نشان دهنده ترکیب نامناسب صادرات غیرنفتی می باشد.<sup>(۳۴)</sup>

## ۱-۲ واردات

در دوره جنگ به دلیل اهمیتی که نوع مصرف درآمدهای ارزی دارد، دولت در تعیین نوع و مقدار واردات دخالت زیادی می کند؛ زیرا دولت به دنبال دستیابی به حداکثر رفاه و فرصت، با حداقل مصارف ارزی می باشد. از این رو، از ابزارهای گوناگونی مانند اعمال محدودیت های مقداری و افزایش تعرفه ها استفاده می شود تا واردات به تأمین نیازهای اساسی محدود شود. واردات کشور حتی در دوران جنگ نیز نمی تواند امر منفی تلقی شود، مگر اینکه میزان و نوع کالاها اغلب مصرفی باشد و یا در مواردی با افزایش درآمد دولت ها و افزایش کالاهای مصرفی و لوکس، واردات بی رویه افزایش یابد که چنین وضعیتی نگران کننده است.

روند واردات کالا طی دوران جنگ از نوسان بالایی برخوردار بوده است. دلیل این نوسان، تغییر مداوم سیاست ها و قوانین و مقررات بازرگانی خارجی در این دوره بوده است که بنابر ضرورت های موجود و نوسانات شدید درآمدهای نفتی، صورت می گرفته است. در پی تحولاتی که بعد از پیروزی انقلاب روی

ارزش صادرات غیرنفتی در سال های اولیه جنگ، نسبت به پیش از آغاز جنگ کاهش یافت، چنانکه در سال ۱۳۵۸، قبل از شروع جنگ، ارزش صادرات غیرنفتی معادل ۸۱۲ میلیون دلار بود که با آغاز جنگ کاهش یافت، و در سال ۱۳۵۹ به ۶۴۵ میلیون دلار رسید. این کاهش تا سال ۱۳۶۱ ادامه یافت. با آغاز تکانه نفتی - که از پایان سال ۱۳۶۴ شروع شد. دولت تعدادی از اعضای کابینه را مأمور تهیه برنامه عبور از بحران و افزایش صادرات غیرنفتی کرد تا با توجه به شرایط حاد جنگی، برنامه ای تهیه شود که هم مصارف ارزی و هزینه های دولت را کنترل کند، و هم راه های جدیدی برای کسب درآمد ارزی ارائه شود. رشد ۹۷ درصدی صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۶۵، بیانگر موفقیت تلاش مدیریت اقتصادی کشور بوده است.<sup>(۳۵)</sup>

پس از پیروزی انقلاب، بخش کشاورزی اهمیت اقتصادی و سیاسی بسیاری پیدا کرد و بالاترین اولویت در سیاست های اقتصادی

دولت به توسعه این بخش داده شد. بالا بردن سطح تولید محصولات کشاورزی و حصول خود کفایی در زمینه تولید مواد غذایی به عنوان یکی از هدف های عمده اقتصادی مد نظر قرار گرفت.<sup>(۳۶)</sup>

میزان صادرات کالاهای صنعتی و کشاورزی طی سال های جنگ عراق علیه ایران سیر صعودی داشت، به طوری که صادرات این کالاها در سال ۱۳۶۲ از ۳۱۸/۱ میلیون دلار به ۸۹۴/۴ میلیون دلار در سال ۱۳۶۸ رسید و حدود ۹۰ درصد صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داد.<sup>(۳۷)</sup>

در بخش صادرات کالاهای صنعتی نیز میزان صادرات این کالاها در دوران جنگ افزایش پیدا کرد و

## به دلیل روند نزولی

## قیمت نفت، درآمدهای

## ارزی ایران در سال ۱۳۶۳

## کاسته شد و در سال ۱۳۶۵

## به پایین ترین حد خود رسید



واردات کالا تا حدی محدود شد و کل ارزش واردات گمرکی به ۱۴/۵ میلیارد دلار کاهش یافت.<sup>(۲۸)</sup> به طور کلی در اقتصاد ایران میزان متغیر درآمد ارزی دولت، همواره مسئله اصلی و تعیین کننده روند تغییر در سایر عوامل اقتصادی بوده است و به اصطلاح (ارز) است که «سیاست» را تعیین می کند. از این رو با کاهش درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت از سال ۶۳، واردات کالاها محدود گردید و این روند کاهش با نوسانات ناچیزی تا پایان سال ۱۳۶۷ ادامه یافت.

## ۲. نظام پولی و بانکی و سیاست های پولی

نظام پولی و بانکی به دلیل نقش تعیین کننده پول در اقتصاد و اهمیت سازمان های بانکی در اداره پول، از اهرم های اساسی دخالت دولت در امور اقتصادی به شمار می رود. اهرم پولی و بانکی در کنار اهرم های بودجه و برنامه، قدرت اقتصادی مهمی را در اختیار دولت قرار می دهد که بنا به ماهیت دولت، کل اقتصاد جامعه را می تواند تحت تأثیر قرار دهد.<sup>(۲۹)</sup>

### ۱-۲) متغیرهای پولی و اعتبارات بانکی

#### ۱-۲-۱) نقدینگی

نقدینگی بنا به تعریف عبارت است از مجموع حجم پول و شبه پول. لذا با افزایش حجم پول و شبه پول، نقدینگی در جامعه افزایش می یابد که اگر رشد آن با رشد تولید تناسب نداشته باشد، یکی از دلایل اصلی افزایش تورم محسوب می شود. نظر به اینکه کنترل تورم در دوره جنگ اهمیت بسیاری داشته، رشد نقدینگی با حدود ۱۸ درصد، نسبت به دوره قبل از آن (۱۳۵۷-۱۳۵۲) که معادل ۳۴ درصد بوده، و همچنین نسبت به دوره های پس از

داد، فرار سرمایه و خروج ارز از کشور تشدید شد. برای جلوگیری از این وضعیت و کاهش اتکا به خارج، سیاست تسهیل واردات اتخاذ گردید؛ اما با شروع جنگ، به طور کلی سیاست محدود کردن و کنترل واردات در پیش گرفته شد. بررسی میزان واردات در سال های جنگ تحمیلی، بیانگر وجود مشکلات اقتصادی است به گونه ای که کاهش درآمدها سبب شد واردات کشور کاهش عمده ای بیابد. متوسط سالانه واردات کشور در مقطع سال های انقلاب و جنگ، از همه دوره های قبل و بعد، به طور چشمگیری کم تر بود. از سال ۱۳۶۵ تا پایان جنگ، به ویژه در سال ۱۳۶۷، از حجم واردات به شدت کاسته شد.<sup>(۳۰)</sup>

در سال ۱۳۵۹، به خاطر اجرای سیاست های بازرگانی و ارزی به منظور جلوگیری از خروج بی رویه ارز و محدودیت در زمینه ورود کالاهای لوکس و غیر ضروری، وزن واردات ۶ درصد کاهش یافت، اما ارزش واردات به قیمت جاری ۱۲ درصد رشد کرد و به حدود ۱۰۸ میلیارد دلار بالغ گردید. این امر ناشی از بالا رفتن قیمت کالاهای وارداتی در پی تحریم اقتصادی ایران از جانب آمریکا، ژاپن و بعضی از کشور های اروپایی بود.<sup>(۳۱)</sup>

در سال ۱۳۶۰، از یک سو به دلیل سیاست دولت برای افزایش تولیدات داخلی و از سوی دیگر، به علت ورود کالاها به صورت واسطه ای، واردات گمرکی افزایش چشمگیری یافت و به ۱۳/۵ میلیارد دلار بالغ گردید. حدود ۶۱ درصد کل واردات در سال ۱۳۶۰ به مواد اولیه و کالاهای واسطه ای برای تولیدات داخلی اختصاص داشت.<sup>(۳۲)</sup>

دولت در مقابله با روند افزایش واردات و صرفه جویی در مصرف ارز، اقداماتی از جمله سهمیه بندی و توزیع عادلانه کالاهای اساسی و همچنین تشکیل کمیسیون تخصیص ارز به عمل آورد. اقدامات فوق باعث گردید در سال ۶۱، ارزش واردات گمرکی کشور حدود ۱۲/۴ درصد کاهش یابد و به حدود ۱۱/۸ میلیارد دلار برسد. در سال ۱۳۶۲ واردات مجدداً افزایش یافت و واردات گمرکی کشور به ۱۸ میلیارد دلار رسید. در پی کاهش درآمدهای نفتی در سال ۶۳،

پس از پیروزی انقلاب،  
بخش کشاورزی اهمیت  
اقتصادی و سیاسی بسیاری  
پیدا کرد و بالاترین اولویت  
در سیاست های اقتصادی  
دولت به توسعه این بخش  
داده شد



جنگ نیز کمتر بوده است. بررسی نقدینگی در سال های جنگ نشان می دهد که دولت همواره برای کنترل نقدینگی در تلاش بوده است، طوری که در سال ۱۳۶۳ رشد نقدینگی به ۶ درصد کاهش یافته که این میزان از سال ۱۳۵۳ تاکنون بی سابقه بوده است.<sup>(۳۰)</sup> به طور کلی در سال های پس از انقلاب اسلامی فعالیت های بانکی در سطحی محدودتر از گذشته گسترش یافت و رشد متوسط کل دارایی ها و بدهی های سیستم بانکی تا حدود زیادی محدود گردید.

تجارت از ۱۵ درصد به ۲۵ درصد مانده سپرده های مذکور افزایش یافت. از ابتدای سال ۱۳۶۴ قانون عملیات بانک داری بدون ربا که در سال ۱۳۶۲ تصویب شده بود در سطح سیستم بانکی کشور به اجرا گذاشته شد. در سال ۱۳۶۳ رشد نقدینگی به ۶ درصد کاهش یافت که علت عمده آن محدود شدن اعطای وام ها و اعتبارات بانک ها به بخش خصوصی و کاهش نسبی آثار انبساطی فعالیت های بخش دولتی بود. در سال ۱۳۶۴ در ادامه اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا و آشنایی بیشتر مردم و کارکنان بانک ها با بانکداری اسلامی، فعالیت های سیستم بانکی نسبت به سال ۱۳۶۳ گسترش یافت. نقدینگی بخش خصوصی در این سال ۱۳ درصد رشد کرد و نسبت به سال قبل افزایش یافت. در سال ۱۳۶۵ نقدینگی از رشد ۱۹/۱ درصدی برخوردار شد و نسبت به سال قبل افزایش یافت. در سال ۱۳۶۶ نرخ رشد نقدینگی اندکی کاهش یافت و به ۱۸/۱ درصد رسید. در سال ۱۳۶۷ کسری بودجه دولت به ۵۰/۵ درصد از کل پرداخت های دولت رسید.<sup>(۳۱)</sup>

#### ۲-۲-۱) وام ها و اعتبارات

در نیمه دوم سال ۱۳۵۹، شروع جنگ و ادامه برخی نارسایی های اقتصادی، به رکود فعالیت های بخش

در سال ۱۳۵۹ کل دارایی ها و بدهی های سیستم بانکی تا حدودی افزایش یافت. در این سال نقدینگی با ۲۷ درصد رشد، از ۳/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ به میزان ۴/۵ میلیارد ریال رسید. در سال ۱۳۶۰ سرعت گردش نقدینگی به علت ادامه رکود برخی از فعالیت های اقتصادی همچنان کند بود. در این سال رشد نقدینگی ۱۶/۱ درصد بود که نسبت به سال ۱۳۵۹ کاهش یافته بود. بررسی عوامل مؤثر بر نقدینگی نشان می دهد در سال ۱۳۶۰ نیز آثار انبساطی بودجه دولت، عامل افزایش نقدینگی بوده است. در سال ۱۳۶۱ نقدینگی با افزایش سریعی روبه رو شد و نسبت به سال ۱۳۶۰ رشد ۲۲/۸ درصدی داشت که عمدتاً به علت افزایش کسری بودجه دولت بود. بررسی عوامل مؤثر بر تغییر نقدینگی نشان می دهد که در سال ۱۳۶۱ آثار انبساطی اجرای بودجه دولت همچنان عامل اصلی افزایش نقدینگی بوده است. در سال ۱۳۶۲ رشد دارایی ها و بدهی های سیستم بانکی محدود شد. در این سال سیاست جدید پولی و مالی اعلام شد که به موجب آن سپرده قانونی در مقابل سپرده های دیداری اشخاص نزد بانک های تجاری از ۱۷ درصد به ۲۸ درصد مانده این سپرده ها و نسبت سپرده قانونی در مقابل سپرده های غیر دیداری اشخاص نزد بانک های

بود که این به علت الزام بانک ها به رعایت حد مجاز اعتبار بود. در سال ۱۳۶۶ تسهیلات بانک ها به بخش خصوصی به رقم ۶/۴ میلیارد ریال رسید که از رشدی معادل ۱۳/۸ درصد برخوردار بود. با پایان یافتن جنگ در سال ۱۳۶۷، زمینه لازم برای گسترش فعالیت های اقتصادی فراهم گردید و تقاضا برای استفاده از تسهیلات بانکی افزایش یافت. به طوری که مانده تسهیلات اعطایی بانک ها به بخش خصوصی با ۱۷/۸ درصد رشد به ۷/۵ میلیارد ریال رسید.<sup>(۳۲)</sup>

## ۲-۲) نظام بانکی

در هفدهم خرداد ماه ۱۳۵۸ طبق مصوبه شورای انقلاب «برای حفظ حقوق و سرمایه های ملی و به کار انداختن چرخ های تولیدی کشور و تضمین سپرده های مردم در بانک ها، بانک های ایران، ملی اعلام شد».<sup>(۳۳)</sup> به منظور دگرگونی در نظام بانکی ادغام شبکه بانکی ایران پس از ملی کردن آنها مطرح شد

و در مهرماه سال ۱۳۵۸، طرح تخصصی کردن بانک ها به تصویب رسید. بر پایه مصوبه جدید، شبکه بانکی کشور به چند بانک بزرگ به شرح زیر تبدیل شد:

- ۱) بانک صنعت و معدن،
- ۲) بانک مسکن،
- ۳) بانک کشاورزی،
- ۴) بانک تجارت، و
- ۵) بانک ملت.

علاوه بر پنج بانک ذکر شده، بانک های ملی ایران، سپه و رفاه کارگران به صورت بانک تجاری به فعالیت خود ادامه دادند و بانک صادرات ایران به صورت «بانک استان» درآمد.<sup>(۳۴)</sup>

خصوصی و کاهش تقاضای این بخش برای وام ها و اعتبارات سرمایه گذاری منجر شد. در مجموع، کل وام ها و اعتبارات تجاری و تخصصی که در سال ۱۳۵۸ معادل ۲/۶ میلیارد ریال بود، در سال ۱۳۵۹ به ۳ میلیارد ریال رسید.

در سال ۱۳۶۰ به دلیل رکود نسبی در برخی از فعالیت های اقتصادی، به طور کلی تقاضا برای وام ها و اعتبارات بانکی محدود بود. در سال ۱۳۶۱ فعالیت ها برای اعطای وام و اعتبارات به بخش خصوصی به طور نسبی افزایش یافت و رشد مانده وام ها و اعتبارات اعطایی بانک ها به بخش خصوصی از ۵/۲ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۸/۲ درصد در سال ۱۳۶۱ رسید. در سال ۱۳۶۲ به علت بهبود نسبی اوضاع اقتصادی کشور و افزایش تقاضای بخش خصوصی برای وام و اعتبار، اعتبارات اعطایی بانک ها به بخش خصوصی افزایش عمده ای داشت، طوری که رشد مانده وام ها و اعتبارات بانک ها به بخش خصوصی به ۲۲/۱ درصد رسید.

در سال ۱۳۶۳ با محدود شدن فعالیت های بخش خصوصی در برخی از بخش های اقتصادی به دلیل مسائلی نظیر سیاست های محدود کننده دولت در جهت مبارزه با گسترش تورم، فعالیت های سیستم بانکی نیز تا حدودی تحت تأثیر قرار گرفت و وام ها و اعتبارات بانک ها به بخش خصوصی رشد کمتری نسبت به سال قبل داشت و با رشد ۵/۷ درصدی به ۴/۵ میلیارد ریال رسید. بررسی روند اعتبارات و تسهیلات اعطایی بانک ها به بخش خصوصی در سال ۱۳۶۴ نشان می دهد با گذشت دو سال از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا و آشنایی بیشتر مردم با نظام بانکی جدید، بر سرعت رشد تسهیلات اعطایی بانک ها افزوده شده، به طوری که در این سال رشد کل وام ها و اعتبارات و تسهیلات بانک ها، به ۱۲/۹ درصد رسیده است. در سال ۱۳۶۴ با توجه به اولویت هایی که برای وام های کشاورزی تعیین شده بود، بانک کشاورزی فعالیت های اعتباری خود را گسترش داد. در سال ۱۳۶۵ مانده اعتبارات و تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی به رقم ۵/۶ میلیارد ریال رسید که رشدی معادل ۹/۸ درصد داشت. این میزان رشد کم تر از رشد سال ۱۳۶۴

## ۲-۱) دگرگونی در نظام بانکی

نخستین اقدام‌های انجام شده پس از ملی کردن بانک‌ها، برقراری حداقل سود تضمین شده برای سپرده‌ها، کارمزد حداقل سود تضمین شده برای وام‌ها و دیگر تسهیلات اعتباری به منظور حذف بهره از نظام بانکی بود. با تصویب لایحه قانونی عملیات بانکی بدون ربا در شهریور ماه سال ۱۳۶۲ در نظام بانکداری ایران تغییر داده شده که بر پایه آن بانک‌ها بتوانند به شرح زیر سپرده بپذیرند:

۱) سپرده‌های قرض الحسنه؛ و

۲) سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت دار.<sup>(۳۵)</sup>

## ۲-۲) سیاست‌های نظام

بانکی

در سال‌های پس از انقلاب همراه با دیگر تغییرات، از تعداد بانک‌ها کاسته شد اما از سال ۱۳۶۶ تعداد آنها افزایش یافت. با وجود آن که سیاست اعطای اعتبارات به بخش خصوصی پس از انقلاب نیز همچنان ادامه یافت اما این سیاست در ابتدا با

عدم استقبال بخش خصوصی و سپس با استقبال این بخش روبرو شد. در سال ۱۳۵۵؛ بیشترین اعتبارات بانکی به بخش خصوصی پرداخت شد؛ اما پس از انقلاب نیز به ویژه تا سال ۱۳۶۸، پرداخت اعتبارات به بخش دولتی به دلیل وجود کسری بودجه افزایش یافت.<sup>(۳۶)</sup>

در سال‌های پس از انقلاب به تدریج از سهم بازرگانی در اعتبارات دریافتی از نظام بانکی ایران کاسته شده است. افزایش سهم بخش کشاورزی از اعتبارات بانکی طی دوره جنگ بیشتر از سهم بخش صنعت و معدن، ساختمان و مسکن بوده است.<sup>(۳۷)</sup>

## ۳-۲) سیاست‌های پولی

مفهوم سیاست‌های پولی، تنظیم متغیرهای پولی برای دستیابی به اهداف کلان اقتصادی است. ابزارهای سیاست‌های پولی به دو قسمت کمی و کیفی قابل تفکیک است. نرخ تنزیل مجدد، نرخ سپرده قانونی و عملیات بازار باز (خرید و فروش اوراق قرضه) از ابزارهای کمی سیاست پولی به حساب می‌آید. در موارد خاص از ابزار ویژه‌ای تحت عنوان کنترل مستقیم اعتبارات استفاده می‌شود. این اهرم در واقع یک ابزار مستقیم و اداری برای هدایت اعتبارات در بخش‌های اقتصادی مورد نظر و یا محدود کردن حجم کل تسهیلات بانک‌ها با هدف جلوگیری از رشد بی‌رویه نقدینگی به شمار می‌رود.

## ۳-۱) نرخ تنزیل مجدد

نرخ تنزیل مجدد، نرخ بهره‌ای است که، بانک مرکزی با توجه به آن اسناد بانک‌ها را تنزیل می‌کند و به آنها در مقابل این اسناد وام می‌دهد. با کاهش این نرخ، حجم پول افزایش می‌یابد، برعکس افزایش نرخ تنزیل مجدد، موجب کاهش حجم پول می‌شود. تغییرات در این نرخ موجب تغییر در حجم پول یا نقدینگی می‌شود. با حذف ربا از عملیات بانکی کشور از سال ۱۳۶۲، استفاده از این ابزار به کلی از ابزارهای پولی کشور حذف شد. وجود مازاد منابع کلان در بانک‌های تجاری را در دهه ۱۳۶۰، می‌توان یکی از علل ناکارآمدی این ابزار فرض کرد.<sup>(۳۸)</sup>

۳-۲) عملیات بازار آزاد (خرید و فروش اوراق قرضه) «عملیات بازار آزاد» از جمله ابزارهایی است که مقامات پولی از طریق خرید و فروش اوراق قرضه دولتی، میزان دارایی‌های خود از اسناد بدهی دولت را، که بر پایه پولی تأثیر می‌گذارد، تنظیم می‌کنند و با این شیوه، حجم نقدینگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. لذا عملیات بازار آزاد از طریق تأثیر بر پایه پولی، سبب تغییر در حجم پول یا نقدینگی می‌شود. در دهه ۱۳۵۰ به دلیل افزایش نقدینگی حاصل از درآمدهای نفتی، سیاست‌های انقباضی دنبال شد. در سال ۱۳۵۴ به واسطه اتخاذ سیاست‌های انقباضی، بانک‌های کشور موظف شدند

از ابتدای سال ۱۳۶۴  
قانون عملیات بانک‌داری  
بدون ربا که در سال ۱۳۶۲  
تصویب شده بود در سطح  
سیستم بانکی کشور به اجرا  
گذاشته شد

و ۲۵ درصد رسید. در سال ۱۳۶۰ اقتصاد کشور در حال تورم رکودی به سر می برد، در چنین شرایطی بود که شورای پول و اعتبار در تاریخ ۱۳۶۰/۶/۱ جهت مقابله با این مشکل تدابیر ذیل را به تصویب رساند:

- افزایش نسبت سپرده قانونی در مقابل سپرده دیداری اشخاص نزد بانک ها از ۱۲ درصد به ۱۷ درصد.
- حداکثر میزان افزایش مانده وام ها و اعتبارات بانک ها به بخش خصوصی در اول سال ۱۳۶۰.



با اتخاذ این تدابیر، ضمن کنترل فشارهای تورمی از طریق جذب قسمتی از مازاد منابع بانک های تجاری و سوق دادن آن در جهت برخی از موانع رشد و بروز نشانه هایی از بازگشت رونق نسبی اقتصادی، ضرورت داشت برای جلوگیری از آثار نامطلوب تزریق مازاد منابع بانک های تجاری به اقتصاد کشور، در سیاست های پولی و اعتباری تجدید نظر شود. از این رو در خرداد ۱۳۶۲ شورای پول و اعتبار تدابیری را اتخاذ کرد. براساس آن مقرر شد از پایان تیر ۱۳۶۲ تا پایان جنگ، نسبت سپرده قانونی در مقابل سپرده های دیداری اشخاص نزد بانک های تجاری، از ۱۷ درصد به ۲۷ درصد مانده این سپرده ها و نسبت سپرده های قانونی در مقابل سپرده های غیردیداری اشخاص نزد بانک های تجاری از ۱۵ درصد به ۲۵ درصد مانده سپرده های مذکور افزایش یابد.<sup>(۳۰)</sup>

۳-۲-۴) کنترل مستقیم اعتبارات  
تعیین سقف تسهیلات سیستم بانکی با کنترل مستقیم اعتبارات، تأثیر به سزایی در کنترل حجم پول متناسب با حجم تولیدات و نیاز اقتصاد دارد و یکی از مهم ترین اهداف سیاست های پولی به شمار می رود. اعمال این سیاست با استفاده از دو ابزار تعیین نرخ سود و تعیین

۴۵ درصد از افزایش سپرده های غیردیداری خود را برای فروش به مردم، به اوراق قرضه دولتی اختصاص دهند و این نسبت تا سال ۱۳۶۲ حفظ شد. پس از تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲، فروش اوراق قرضه به دلیل ماهیت ربوی آن از نظر شرعی با مشکلاتی مواجه شد و از سال ۱۳۶۳ به بعد بانک ها دیگر موظف به خرید این اوراق نبودند و خرید و فروش آن از بازار بورس تهران حذف شد.<sup>(۳۹)</sup>

### ۳-۲-۳) نرخ سپرده قانونی

سپرده قانونی، به نگهداری درصدی از سپرده های دیداری و غیردیداری نزد بانک مرکزی اطلاق می شود. این ابزار به این طریق مورد استفاده قرار می گیرد که با تغییر در نرخ سپرده قانونی، در حجم منابع در دسترس بانک ها تغییر حاصل می شود تا قدرت اعتبار دهی آنها و نهایتاً نقدینگی در اقتصاد دستخوش تحول گردد. کاهش این نرخ باعث آزاد شدن بخش بیشتری از منابع بانک های تجاری است که سبب افزایش قدرت وام دهی بانک های تجاری و به دنبال آن، افزایش قدرت خلق پول می شود، با افزایش این نرخ قضیه برعکس می شود. نرخ سپرده قانونی از سال ۱۳۶۰ روند صعودی به خود گرفت و برای سپرده های دیداری و غیردیداری به ترتیب به ۲۷

سیاست پولی انقباضی در دوران جنگ، از برهه زمانی ۱۳۵۳ تاکنون، نرخ تورم در سال ۱۳۶۴ به پایین‌ترین حد خود رسید. از سوی دیگر، سعی شد با به کارگیری ابزارهای کیفی، منابع مورد نیاز بخش‌ها، برای سرمایه‌گذاری و سرمایه در گردش مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی تأمین شود.

### ۳. مبارزه با احتکار و گران‌فروشی

یکی از موضوعات مهم و مورد ابتلا در دوران جنگ، به ویژه در سال‌های پایانی آن، افزایش فعالیت شبکه‌های زیرزمینی احتکار کالا و گران‌فروشی بود. این گونه اقدامات با کاهش واردات و کمبود مایحتاج عمومی و همچنین افزایش نرخ تورم و ادامه جنگ و بحران اقتصادی، شدیدتر می‌شد تا جایی که دولت برای مبارزه با گران‌فروشی و احتکار ناچار شد با شدت بیشتر عمل کند.

اجرای سامانه جیره‌بندی و نظارت و کنترل شدید دولت بر قیمت‌ها و نحوه توزیع کالا که در آن موقعیت، اقدامی ضروری و لازم بود، محاسن و معایبی را به همراه داشت. توزیع کالاها با قیمت‌های دولتی به مردم، که معمولاً کمتر از تقاضای مردم می‌باشد، به گسترش شبکه‌های زیرزمینی و احتکار و گران‌فروشی انجامید. برای افزایش مشکلات اقتصادی به ویژه در سال‌های پایانی جنگ، موارد بسیار متعددی از این شبکه‌های مخرب اقتصادی در اقصی نقاط کشور ایجاد شده و دولت را با مشکلات مواجه کرده بود. افزایش محتکران و گران‌فروشان، که پیامد وضعیت بحرانی و جنگی است، سبب شد تا در مرداد ۱۳۶۶ امام خمینی (ره)، اجازه استفاده از تعزیرات حکومتی و برخورد شدید و قاطع دولت با چنین اقداماتی را صادر کرد. در پی صدور حکم امام خمینی، اجرای طرح مبارزه با گران‌فروشان و احتکار در سراسر کشور آغاز شد و برخورد‌های شدیدی با عاملان این اقدامات مخرب به عمل آمد.<sup>(۴۳)</sup>

### ۴. استفاده از سیاست‌های حمایتی و سهمیه‌بندی

سیاست‌های حمایتی نه تنها در کشورهای با نظام متمرکز بلکه حتی در کشورهای دارای نظام بازار آزاد

حدود مجاز اعتباری بخش‌ها امکان‌پذیر می‌گردد. نرخ سود از ابزارهایی است که می‌تواند نقش مهمی در حجم پول در گردش ایفا کند. در دوران جنگ و به طور کلی در دهه ۱۳۶۰ به رغم اینکه غالباً نرخ سود واقعی برای سپرده‌گذاری منفی بود، انگیزه سپرده‌گذاری مردم در بانک‌ها، عمدتاً ناشی از نگرش مردم به بانک‌ها به عنوان مکانی امن و مطمئن برای حفظ اصل پول و یا حداقل حفظ ارزش پول خود بوده است.<sup>(۴۴)</sup>

تعیین سقف اعتباری سیستم بانکی به بخش خصوصی از دیگر ابزارهای مهمی است که برای کنترل عملکرد بخش‌های مالی اقتصاد کشور قابل استفاده است و در هدایت منابع اعتباری به بخش‌های تولیدی نقش مهمی را ایفا می‌کند. این ابزار پس از تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲، به طور مداوم مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عقیده برخی صاحب‌نظران، این ابزار در مقایسه با عملکرد نسبتاً ضعیف ابزارهای کمی سیاست پولی، تنها ابزاری بود، که به طور

مؤثر در دوران جنگ تاحدودی کارایی داشت و به طور مؤثر و مستقیم توانست از رشد نامتناسب حجم کلی اعتبارات جلوگیری و در عین حال منابع اعتباری را به بخش‌های تولیدی هدایت کند.<sup>(۴۵)</sup>

ارزیابی عملکرد سیاست‌های پولی در دوره جنگ نشان می‌دهد که در این دوره، از سویی سیاست پولی انقباضی اتخاذ می‌شد تا از رشد زیاد حجم نقدینگی جلوگیری شود، لذا تا زمانی که تکانه شدید نفتی ۱۳۶۵ رخ نداده بود، رشد نقدینگی تاحدی کنترل شده بود، به گونه‌ای که رشد نقدینگی در سال ۱۳۶۳ به ۶ درصد و در سال ۱۳۶۴ به ۱۳ درصد رسید که همین تدابیر امکان کنترل تورم را نیز فراهم کرد. به این ترتیب با اجرای

در هفدهم خرداد ماه ۱۳۵۸  
طبق مصوبه شورای انقلاب  
«برای حفظ حقوق و  
سرمایه‌های ملی در بانک‌ها،  
بانک‌ها ملی اعلام شدند

یارانه های پرداختی از سال ۱۳۶۱ به بعد علاوه بر تولیدکنندگان و مصرف کنندگان کالا، به بخش خدمات نیز تعلق گرفت که البته در طول جنگ از روند نزولی برخوردار بود. همچنین به رغم درگیری کشور با جنگ، از سال ۱۳۶۱، پرداخت یارانه های تولیدی به بخش صنعتی مورد توجه قرار گرفت در حالی که در دهه ۱۳۵۰ و تا پیش از پیروزی انقلاب، اغلب یارانه پرداختی به بخش مصرفی تعلق می گرفت، پس از انقلاب به بخش تولیدی به ویژه کشاورزی، یارانه بیشتری اختصاص داده شد و از سال ۱۳۶۱ نیز به بخش صنعتی یارانه محدودی داده شد. همچنین اعتباراتی که دولت به یارانه

تخصیص می داد بعد از انقلاب و در طول جنگ از روندی افزایشی برخوردار بود و از حدود ۶۵/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ به ۱۲۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۵ رسید که با بروز تکانه نفتی در سال ۱۳۶۵، یارانه سال های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ کاهش یافت.<sup>(۴۳)</sup>

##### ۵. برنامه ریزی در دوران جنگ

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وقفه ای از نظر برنامه ریزی در کشور رخ داد و با شروع جنگ امکان برنامه ریزی به حداقل رسید و این وضعیت تا اوایل دهه ۱۳۶۰ ادامه یافت تا این که دولت با تلاش های زیادی تدوین برنامه پنج ساله را برای سال های ۱۳۶۶-۱۳۶۲ به اتمام رساند و به مجلس تقدیم کرد، اما تصویب نشد؛ چرا که این برنامه با تشدید جنگ هم زمان بود و بخش بزرگی از امکانات به سوی جبهه و جنگ روانه می شد و عملاً امکان اجرای برنامه ای وجود نداشت. به منظور جلوگیری از بروز و تشدید مشکلات و مبارزه با آنها، برنامه دو سالانه ای به نام «برنامه نوین اقتصادی» برای سال های ۱۳۶۶-۱۳۶۵ تدوین شد. توجه به استفاده از

استفاده می شود اما نوع و شیوه به کارگیری و نتایج حاصل از این سیاست ها و همچنین تأثیر آن بر اقتصاد هر یک از کشورها متفاوت است. یارانه در ایران سابقه ای دیرینه دارد. مردم ایران اولین نظام سهمیه بندی همراه با یارانه را از جنگ جهانی دوم تجربه کرده اند و نان، مهم ترین کالای سهمیه بندی در آن زمان بوده است. در ۱۳۵۰ نیز با افزایش درآمدهای نفتی، اعتبارات اختصاص داده شده به یارانه افزایش یافت، اما اجرا نشدن برنامه صحیح اقتصادی و جهت دهی آن سبب گردید تا این یارانه ها در عادلانه شدن توزیع درآمد ها چندان مفید واقع نشود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی، عواملی چون تحریم اقتصادی ایران، ضبط ذخایر ارزی کشور و کاهش برخی از تولیدات داخلی به کمبود و گرانی کالاهای اساسی منجر شد. در آن زمان، به ویژه در سال های اولیه جنگ تغییراتی در نظام پرداخت یارانه به وجود آمد که مهم ترین مشخصه آن نظام سهمیه بندی کالاهای اساسی بود که در کشورهای درگیر جنگ و بحران اقتصادی به آن روی می آورند. کالاهای اساسی را دولت با قیمت ثابت عرضه می کرد و برای جلوگیری از کمبود و افزایش قیمت کالاهای اساسی، دخالت خود را در تهیه و توزیع این کالاها افزایش داد و طرح توزیع عادلانه کالاهای اساسی را با ایجاد بسیج اقتصادی در سال ۱۳۶۰ و با انتشار کوپن و اجرای سامانه سهمیه بندی کالاهای اساسی به اجرا درآورد. اما وجود احتکار و بازار سیاه موجب شد تا قیمت این کالاها در بازار آزاد به چندین برابر برسد.

به هر حال، در طرح سهمیه بندی برای کالاهایی چون قند و شکر، صابون، پودر لباسشویی، برنج، روغن، تخم مرغ و گوشت سهمیه حداقلی براساس هر فرد در نظر گرفته شده بود که از طریق خرده فروشی ها و شرکت های تعاونی در اختیار افراد قرار می گرفت. اما اگر این میزان سهمیه پاسخگوی نیازمندی خانوارها نبود، آنها بقیه نیاز خود را از بازار آزاد. و با قیمت های بیشتر - تهیه می کردند. به هر ترتیب، نظام سهمیه بندی در آن وضعیت تا حدود مناسبی یارانه پرداختی دولت را در جهت بهبود توزیع درآمد هدایت کرد.

با اجرای سیاست پولی  
انقباضی در دوران جنگ،  
از برهه زمانی ۱۳۵۳ تاکنون،  
نرخ تورم در سال ۱۳۶۴ به  
پایین ترین حد خود رسید



فرصت تغییر الگوی مصرف و تولید و تأمین حداقل نیاز معیشتی مردم در دستور کار قرار گرفت. کشاورزی به عنوان یکی از محورهای این برنامه به شمار می‌رفت و در نهایت تثبیت قیمت کالاهای اساسی و کنترل عمومی قیمت‌ها در تدوین این برنامه مورد توجه خاص قرار گرفت.<sup>(۴۵)</sup>

از محورهای دیگر برنامه، انجام تعهدات دولت، قبول اولویت بندی در بودجه کل کشور، تجهیز منابع بانکی

برای حل مشکل مسکن و اجرای طرح‌های جدید در آبیاری کشاورزی، به منظور بالا بردن سطح زیر کشت بود. از دیگر اهداف برنامه، تأمین اقلام اساسی مصرفی مورد نیاز خانوارها و خارج کردن کالاهای لوکس از سبد مصرفی آنها بود.<sup>(۴۶)</sup>

وضعیت مخارج عمومی طی این دوره از تأثیر مستقیم هزینه‌های جنگ در رشد هزینه‌های جاری حکایت داشت، لذا هزینه‌های عمرانی سهم اندکی از کل هزینه‌ها را به خود اختصاص می‌داد به طوری که این سهم هیچ‌گاه از ۳۲ درصد فراتر نرفت.<sup>(۴۷)</sup>

#### ۶. سیاست‌های مربوط به بخش خصوصی

در قالب نظام جمهوری اسلامی، طیف وسیعی از افکار و عقاید تحت شعار حمایت از حکومت اسلامی وجود داشت که قادر به تعیین استراتژی مشخصی در زمینه مسائل اقتصادی نبود زیرا که فشار و گرایش‌ها هر یک از گروه‌های اجتماعی به بحران در مورد تعیین حدود فعالیت بخش خصوصی و بخش عمومی منجر گردید. طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، سیستم اقتصادی ایران از سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی همراه با برنامه ریزی تشکیل شده است، با این همه در اصل ۴۳ قانون اساسی ذکر شده سیستم اقتصادی ج.ا.ایران به طریقی است که

مانع سود بردن از دیگران می‌شود، این دو اصل با یکدیگر مغایر بوده و بخش خصوصی نمی‌توانست ناظر جریانات و حوادث باشد. در دهه اول انقلاب اگر چه دولت قادر نبود نقش یک سرمایه دار وارد و مطلع را بازی کند اما اجازه نداد بخش خصوصی رشد کند. به طول انجامیدن کشمکش‌های جناحی مهم‌ترین عامل بی‌ رغبتی بخش خصوصی برای گسترش سرمایه‌گذاری در اوایل انقلاب بود. ضمناً به خاطر توصیف و تفسیرهای متفاوت از ایدئولوژی اسلامی نقطه نظرات مشخصی در مورد سرمایه‌گذاری خصوصی وجود نداشت. سرنوشت قانون کار، اصلاحات ارضی، اصلاحات مالیاتی، توزیع درآمد، حقوق زنان، مدیریت سیاسی و ملی کردن تجارت خارجی از جمله مسائل مهمی بودند که در مورد آنها تصمیمی اتخاذ نشد.<sup>(۴۸)</sup>

وجود ارگان‌های موازی، کم‌کاری، بیکاری و ناتوانی دولت در ایجاد نظم در بازار و بخش خصوصی و عدم استفاده از ظرفیت‌های تولیدی توسط بلوک‌های قدرت، از ایجاد یک استراتژی منسجم در این زمینه ممانعت کرد. این نوع رویکرد، تأثیر منفی بر فعالیت‌های اقتصادی باقی گذاشت و تولید اقتصادی کاهش یافت. با این وجود باید اذعان داشت وجه



## یادداشت ها:

۱. محمد کردزاده کرمانی، **اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشار، ۱۳۸۰، ص ۸۴.
۲. بانک مرکزی، **گزارش سال ۱۳۵۸**، صص ۱۶۰-۱۶۳.
۳. فرهاد دژپسند و حمید رضا رثوفی، **اقتصاد ایران در دوران جنگ**، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس، ۱۳۸۷، ص ۸۵.
۴. حسین عظیمی، **مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران**، چاپ ششم، تهران: نشر نی، ۱۳۷۱، صص ۲۶۶-۲۶۹.
۵. حمید ابریشمی، **اقتصاد ایران**، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۷۰.
۶. همان، ص ۷۱.
۷. دژپسند و رثوفی، **پیشین**، ص ۸۷.
۸. همان، ص ۹۴.
۹. همان، ص ۹۵.
۱۰. همان، صص ۹۶-۹۷.
۱۱. حسین عظیمی، **تحلیل شرایط و سیاست های اقتصادی در دوره جنگ ایران و عراق**، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۸۰، صص ۲۸-۲۹.
۱۲. دژپسند و رثوفی، **پیشین**، ص ۹۸.
۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، **نشریه گزارش های ویژه**، بهمن ۱۳۶۴، ص ۳۳.
۱۴. حسین اردستانی، **روزشمار جنگ ایران و عراق**، کتاب پنجاه و دوم: **تکاپوی جهانی برای توقف جنگ**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲، ص ۲۶۷.
۱۵. ابریشمی، **پیشین**، ص ۷۵.
۱۶. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، **ترازنامه های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (سال های ۱۳۵۸-۱۳۶۸)**، ۱۳۶۸، ص ۱۰۷.
۱۷. دژپسند و رثوفی، **پیشین**، ص ۷۴.
۱۸. ابریشمی، **پیشین**، ص ۷۴.
۱۹. ابراهیم شیبانی، **اقتصاد ایران**، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۷۰.
۲۰. ابریشمی، **پیشین**، ص ۷۵.
۲۱. دژپسند و رثوفی، **پیشین**، ص ۱۴۳.
۲۲. حسن دادگر، **اقتصاد ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی**، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵.
۲۳. همان، ص ۱۰۷.

مشخص سیاست های اقتصادی و اجتماعی پس از انقلاب، دولت گرایی بوده است که نه تنها بانک ها، بیمه ها و تعداد زیادی از صنایع بزرگ و متوسط به مالکیت دولت درآمد بلکه بازرگانی خارجی نیز دولتی شد. جنگ اثر مهم خود را بر سیاست اقتصادی باقی گذاشت از آن جمله بر ترتیب واردات، جیره بندی کالاها، سیاست های پولی و تورمی اثر گذاشت و موجب پایین نگه داشتن بهای تعداد نسبتاً زیادی از کالا و خدمات گردید.<sup>(۴۹)</sup>

## نتیجه گیری

با آن که وقوع جنگ، شوک بسیار بزرگی بر اقتصاد کشور وارد کرد، اما راه حل همه جانبه ای برای برخورد با مشکلات بازرگانی که بعد اصلی اقتصاد کشور است، ارائه نشد و تصمیم گیری ها در مورد مهم ترین جنبه های اقتصادی در اغلب موارد کوتاه مدت و موقتی بود. ویژگی عمده عملکرد اقتصادی این سال ها، باز هم تأمین نیازهای داخلی از طریق واردات بود.<sup>(۵۰)</sup>

با وجود تصویب لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی در تمامی سال های پس از انقلاب، سهم بخش خصوصی در تجارت خارجی کشور، قابل توجه بوده است. در حالی که در سال ۱۳۵۶، سهم بخش خصوصی و دولتی از واردات کالا به ترتیب ۴۷/۶ و ۵۲/۴ درصد بود، در سال ۱۳۵۹ این سهم به ۶۸/۷ و ۳۱/۳ درصد و در سال ۱۳۶۲ به ۳۹ و ۶۱ درصد از کل واردات کشور رسید. در هیچ مقطعی سهم بخش خصوصی در بازرگانی خارجی چنین ناچیز نبوده است.<sup>(۵۱)</sup>

در دهه اول انقلاب، دولت قادر نبود سیاست اقتصادی منسجمی ایجاد و روابط خود را با مخاطبین و محیط بین المللی به نحو مطلوبی تنظیم نماید. هر یک از عوامل سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیکی، فرهنگی، نهادی و بین المللی مانع از ایجاد چنین سیاستی شده بود. در کنار این مسائل، تحولات جنگ و نوسانات درآمدی و فقدان استراتژی منسجم برای توسعه، مشکلاتی را ایجاد نمود.

۲۴. همان، ص ۱۱۱.
۲۵. دژپسند و رثوفی، پیشین، ص ۱۴۴.
۲۶. همان، صص ۱۴۵-۱۴۴.
۲۷. ابریشمی، پیشین، ص ۸۹.
۲۸. اداره بررسی های اقتصادی، بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲۹. ابریشمی، پیشین، ص ۸۹.
۳۰. ابراهیم رزاقی، آشنایی با اقتصاد ایران، چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۳.
۳۱. دژپسند و رثوفی، پیشین، صص ۱۲۲-۱۲۳.
۳۲. همان، ۱۲۶-۱۲۲.
۳۳. همان، ۱۲۹-۱۲۸.
۳۴. ج. باربر، اقتصاد ایران، تهران: مؤسسه حسابرسی سازمان برنامه، ۱۳۶۳، ص ۲۲۵.
۳۵. بانک مرکزی، گزارش سال ۱۳۵۸، ص ۹۳.
۳۶. همان، صص ۲۳۱-۲۲۹.
۳۷. رزاقی، پیشین، ص ۱۰۹.
۳۸. همان، ص ۱۱۲.
۳۹. دژپسند و رثوفی، پیشین، صص، ۱۳۴-۱۳۳.
۴۰. همان، ص ۱۳۴.
۴۱. همان، صص ۱۳۵-۱۳۷.
۴۲. کردزاده، پیشین، ص ۸۵.
۴۳. حسین عظیمی، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، ص ۱۲۶.
۴۴. دژپسند و رثوفی، پیشین، ص ۱۷۳.
۴۵. همان، صص ۱۷۹-۱۸۰.
۴۶. دادگر، پیشین، صص ۷۱.
۴۷. رزاقی، پیشین، ص ۸۵.
۴۸. دادگر، پیشین، ص ۷۲.
۴۹. عدنان مزارعی، اقتصاد ایران پس از انقلاب، از هم گسیختگی و پوپولیسم، ترجمه پرویز صداقت، مجله فرهنگ و توسعه. فروردین ۱۳۷۶، ص ۸۰.
۵۰. کردزاده کرمانی، پیشین، صص ۸۴-۸۳.
۵۱. ترازنامه های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال های ۶۸-
- ۱۳۵۸.